# سازنامه

## پژوهشی در شناخت سازهای دوره‌ی ساسانی

نوشته‌ی

**مهشید فراهانی**

مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور

تهران ۱۴۰۳

مسائل نه با دادن اطلاعات تازه بلکه با مرتب کردن
آنچه همیشه می‌دانسته‌ایم حل می‌شوند.
**لودویگ ویتگنشتاین**

فهرست

**پیشگفتار** ..... **۱۳**

**روش پژوهش** ..... **۱۹**

**بازشناسی نوشتارها** ..... **۲۵**

رساله‌ی خسرو و ریدک ..... **۲۵**

یادگار زریران ..... **۲۹**

دیوان اعشی کبیر ..... **۳۱**

رساله‌ی اللهو و الملاهی ..... **۳۲**

**بازشناسی نگاره‌ها** ..... **۳۴**

بشقاب S-4 موزه‌ی ارمیتاژ ..... ۳۵

بشقاب شماره‌ی S-26 موزه‌ی ارمیتاژ ..... ۳۵

بشقاب شماره‌ی S-47 موزه‌ی ارمیتاژ ..... ۳۶

بشقاب موزه‌ی متروپولیتن ..... ۳۷

بشقاب نقره‌ی موزه‌ی بریتانیا ..... ۳۸

بشقاب نقره‌ی گالری فریر ـ ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ..... ۳۹

بشقاب موزه‌ی میهو ..... ۴۰

قدح کلاردشت ۱ ..... ۴۰

قدح کلاردشت ۲ ..... ۴۲

تنگ نقره موزه‌ی میهو ۴۲
تنگ موزه‌ی لوور ۴۳
تنگ نقره‌ی موزه‌ی ملی ایران ۴۳
تنگ نقره‌ی گالری فریر ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ۴۴
تنگ موزه‌ی هنر و تاریخ ژنو ۴۴
ظرف بیضی دالبردار موزه‌ی ارمیتاژ ۴۵
ظرف بیضی دالبردار موزه‌ی کلیولند ۴۶
ظرف بیضی موزه‌ی هنر شهر لس‌آنجلس شماره‌ی ۱ ۴۶
ظرف بیضی موزه‌ی شهر لس‌آنجلس شماره‌ی ۲ ۴۷
کاسه‌ی نقره‌ای موزه‌ی کلیولند ۴۷
کاسه‌ی نقره‌ای گالری فریر–ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ۴۸
کاسه‌ی نقره‌ی طلاکاری‌شده ثابت پاسال ۴۹
پارچ آبریز موزه‌ی هنر لیون ۴۹
تندیس آدمک نوازنده ۵۰
نقاشی‌های کاخ قُصیر عَمره ۵۱
موزائیک بیشاپور ۵۲
نقوش طاق‌بستان ۵۴

**سازهای زه‌صدا ۵۷**

**چنگ، ون، ون‌کنار ۵۷**

**مقدمه ۵۷**

**بخش اول: نگاره‌ها ۶۱**

چنگ موزائیک بیشاپور ۶۱
بشقاب شماره‌ی S-47 موزه‌ی ارمیتاژ ۶۲
کاسه‌ی نقره‌ای گالری فریر–ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ۶۳
پارچ آب موزه‌ی هنر لیون ۶۳
چنگ‌ها در نقش برجسته‌ی طاق‌بستان ۶۴
چنگ افقی راست‌گوشه ۶۴

چنگ‌های عمودی راست‌گوشه (سرخمیده و راست‌قامت) ..... ۶۶
**بخش دوم روایت‌های تاریخی ..... ۷۰**
**بخش سوم: ویژگی‌های ساختاری سازچنگ ..... ۷۹**
**تنبور ..... ۸۸**
**مقدمه ..... ۸۸**
**بخش اول: نگاره‌ها ..... ۹۲**
کاسه‌ی نقره‌ای موزه‌ی کلیولند ..... ۹۲
بشقاب موزه‌ی متروپولیتن ..... ۹۲
بشقاب موزه‌ی میهو ..... ۹۲
تنگ نقره‌ی موزه‌ی میهو ..... ۹۳
بشقاب نقره‌ی گالری فریر-ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ..... ۹۳
تنگ نقره‌ی موزه ملی ..... ۹۴
**بخش دوم: روایت‌های تاریخی ..... ۹۷**
**بخش سوم: ویژگی‌های ساختاری سازتنبور: ..... ۱۰۱**

**بربت ..... ۱۰۳**
**مقدمه ..... ۱۰۳**
**بخش اول: آثار تصویری ..... ۱۰۶**
بشقاب کلاردشت ۱ ..... ۱۰۶
بشقاب شماره S-4 موزه‌ی ارمیتاژ ..... ۱۰۷
ظرف بیضی موزه‌ی هنر شهر لس‌آنجلس شماره‌ی ۱ ..... ۱۰۸
کاسه‌ی نقره‌ی طلاکاری شده ثابت پاسال ..... ۱۰۹
پارچ آبریز موزه‌ی هنر لیون ..... ۱۰۹
نوازنده‌ی بربت قصیرعمره ..... ۱۱۰
**بخش دوم: روایت‌های تاریخی ..... ۱۱۱**
**بخش سوم: ویژگی‌های ساختاری بربت ..... ۱۱۵**

**سازهای هواصدا ۱۲۰**

**مقدمه ۱۲۰**

**بخش اول: نگاره‌ها ۱۲۳**

بشقاب s-4 موزه‌ی ارمیتاژ ۱۲۳

ظرف بیضی موزه‌ی شهر لس‌آنجلس شماره‌ی ۲ ۱۲۳

بشقاب شماره‌ی S-26 موزه‌ی ارمیتاژ ۱۲۴

بشقاب شماره S-47 موزه‌ی ارمیتاژ ۱۲۴

قدح کلاردشت ۱ ۱۲۵

بشقاب کلاردشت ۲ ۱۲۶

بشقاب موزه‌ی میهو ۱۲۶

تنگ نقره‌ی موزه‌ی میهو ۱۲۷

تنگ موزه‌ی هنر و تاریخ ژنو ۱۲۸

تنگ نقره گالری فریر–ساکلر ۱۲۹

کاسه‌ی نقره‌ای موزه‌ی کلیولند ۱۲۹

بشقاب نقره‌ی موزه‌ی بریتانیا ۱۳۰

ظرف بیضی دالبردار موزه‌ی کلیولند ۱۳۰

کاسه‌ی نقره‌ی طلاکاری شده‌ی ثابت پاسال ۱۳۱

پارچ آب موزه‌ی هنر لیون ۱۳۱

سازهای هواصدا نقش برجسته‌ی طاق‌بستان ۱۳۲

**روایت‌های تاریخی ۱۳۴**

سورازیک ۱۳۵

مشتک، مستک ۱۳۶

نای ۱۳۸

دومبرک ۱۴۰

کرمیل، کرنا ۱۴۱

گاو دومب ۱۴۲

نرم نای ۱۴۳

سرنای ۱۴۳

زنامی ..... ۱۴۳
دونای ..... ۱۴۵

**سازهای پوست صدا ..... ۱۴۷**
**مقدمه ..... ۱۴۷**
**نگاره‌ها ..... ۱۴۷**
کاسه‌ی نقره‌ای گالری فریر–ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ..... ۱۴۷
بشقاب نقره گالری فریر–ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ..... ۱۴۸
پارچ آبریز موزه‌ی هنر لیون ..... ۱۴۸
کاسه‌ی نقره‌ای موزه‌ی کلیولند ..... ۱۴۹
تندیس آدمک نوازنده ..... ۱۴۹
طاق‌بستان ..... ۱۴۹
**روایت‌های تاریخی ..... ۱۵۰**
تنبک ..... ۱۵۰

**سازهای خودصدا ..... ۱۵۲**
**مقدمه ..... ۱۵۲**
**نگاره‌ها ..... ۱۵۲**
ظرف بیضی دالبردار موزه‌ی ارمیتاژ ..... ۱۵۲
تنگ نقره موزه‌ی میهو ..... ۱۵۳
بشقاب کلاردشت ۱ ..... ۱۵۳
تنگ نقره‌ی گالری فریر–ساکلر موزه‌ی اسمیتسونین ..... ۱۵۴
تنگ موزه‌ی هنر و تاریخ ژنو ..... ۱۵۴
تنگ نقره‌ی موزه‌ی ملی ایران ..... ۱۵۴
تنگ موزه‌ی لوور ..... ۱۵۵
بشقاب کلاردشت ۲ ..... ۱۵۵
نقوش طاق‌بستان ..... ۱۵۵

**موارد مبهم در سازشناسی ساسانی ..... ۱۵۷**

**سازهای ناشناخته متن خسرو و ریدک ..... ۱۵۷**

سیوار ..... ۱۵۷

تُنبور مَس (تُنبک) ..... ۱۵۹

**آثاری که به اشتباه به موسیقی ساسانی نسبت داده می‌شود ..... ۱۶۱**

بشقاب نقره‌ی موزه‌ی ارمیتاژ با نقش محاصره‌ی قلعه ..... ۱۶۱

کاسه‌ی نقره‌ی موزه‌ی ارمیتاژ با نقش میمون‌های نوازنده ..... ۱۶۱

بشقاب نقره‌ی موزه‌ی بریتانیا ..... ۱۶۲

**دستاورد ..... ۱۶۴**

**منابع ..... ۱۷۰**

## پیشگفتار

موسیقی دوره‌ی ساسانی نام‌آورترین هنر شاهنشاهی ساسانی است. در نوشته‌های تاریخی و ادبی اسلامی پیوسته از موسیقی دوره‌ی ساسانی و نوازندگانی چون باربد و نکیسا یاد شده و در اهمیت و شکوه این موسیقی مطالب بسیاری نوشته شده‌است. با وجود تمام داده‌هایی که درباره‌ی این موسیقی وجود دارد چهره‌ی واقعی آن همواره پوشیده مانده‌است. از سوی دیگر، این داده‌ها که می‌تواند بخش بسیار کوچکی از سازشناسی، کاربرد و کارکرد موسیقی را برای ما روشن نماید آنچنان در غبار تاریخ و روایات افسانه‌ای پوشیده شده و چنان شاخ و برگ به آن افزوده شده که دسترسی به اصل این پدیده را بسیار دشوار می‌نماید.

از آنجا که گاه‌شماری تاریخی در ایران با نام دودمان‌های سیاسی و پادشاهان نامگذاری می‌شود دوره‌های فرهنگی نیز بر اساس نام دوره‌های سیاسی شناخته می‌شوند. اما باید توجه داشت که فرهنگ و هنر با پایان یافتن یک دوره‌ی سیاسی به یکباره دگرگون نمی‌شوند و تا مدت‌ها به زیست خود ادامه می‌دهد. حتی پس از گذشت مدت زمانی با تغییر چهره‌ی فرهنگ به برآیندی از فرهنگ دوره‌ی سیاسی گذشته و جدید، فرهنگ پیشین هرچند در اندازه‌ای کوچک همچنان حضور دارد. از این رو در پژوهش پیرامون موسیقی ساسانی باید همواره نگاهی به دوره‌ی سیاسی‌ـفرهنگی گذشته‌ی آن یعنی دوره‌ی اشکانی هم داشت.

در این میان باید توجه داشت که وقتی از موسیقی دوره‌ی ساسانی صحبت می‌شود این بحث بیشتر دوره‌ی پادشاهی خسرو پرویز و موسیقی رایج در دربار او را دربر می‌گیرد. به این جهت که بیشترین و مهم‌ترین اطلاعات درباره‌ی موسیقی دوره‌ی ساسانی که اکنون در دست است متعلق به دوره‌ی پادشاهی خسرو پرویز بین سال‌های ۵۶۰ تا ۶۲۸ میلادی است. از دوره‌های پیش از خسرو پرویز و دیگر گونه‌های موسیقی همچون موسیقی آئینی، جشن، رزم، کار و سوگ هیچ داده‌ای وجود ندارد. از این رو در این کتاب هرجا صحبت از موسیقی دوره‌ی ساسانی است بیشتر به موسیقی رایج در دربار خسرو پرویز اشاره دارد.

اطلاعات موجود درباره‌ی موسیقی این دوره در کتاب‌ها و رسالات ادبی و تاریخی به سه زبان پهلوی، فارسی و عربی در دسترس است اما هیچ متن مستقلی در مورد کارگان و فرهنگ موسیقایی ساسانی به هیچ‌کدام از زبان‌های اشاره‌شده وجود ندارد. متن‌های موجود تنها اطلاعاتی مختصر از سازهای این دوره و یا اطلاعاتی نامفهوم از ماهیت کارگان موسیقی رایج در دوره‌ی ساسانی دارند. به هر ترتیب برای مطالعه‌ی موسیقی دوره‌ی ساسانی لازم است آنچه در این کتب و رسالات ذکر شده، بررسی شود و با دیگر اطلاعات موجود از موسیقی این دوره که شامل نگاره‌ی آثار باستانی کشف شده‌است مورد هم‌سنجی قرار بگیرد تا بتوان دانش فراگیرتری از موسیقی این دوره به دست آورد. نتیجه‌ی چنین مطالعه‌ای می‌تواند روشنگر بخش کوچکی از فرهنگ موسیقایی پیشااسلامی در ایران باشد.

بحث سازشناسی موسیقی دوره‌ی ساسانی یکی از مباحث مهم شناخت موسیقی در این دوره است. اندک بودن منابع برای چنین پژوهشی همزمان که پژوهشگر را دچار دشواری می‌نماید بر او حکم می‌کند تا همین اندک منابع در دسترس را با دقت بیشتر مورد مطالعه قرار دهد و ریزترین داده‌ی پیدا و پنهان را از منابع بیرون کشد.

هیچ نوشتاری در دوره‌ی ساسانی و اسلامی به صورت ویژه به سازشناسی دوره‌ی ساسانی نپرداخته‌است. در متون به‌جا مانده از زبان پهلوی تنها در رساله‌ی *خسرو و ریدک* است که شماری از سازهای این دوره نام برده شده بدون آنکه توضیحی در مورد آنها داده شود. در متون دیگر چون *کارنامه‌ی اردشیر بابکان* و *یادگار زریران* نیز نام سازها به صورت پراکنده در خلال روایت داستان آمده است. در میان متون عربی دوره‌ی اسلامی هم رساله‌ای که به طور اختصاصی به موسیقی دوره‌ی ساسانی بپردازد وجود ندارد و تمام اطلاعات موجود از این فرهنگ موسیقایی از میان متون تاریخی و ادبی به دست می‌آید.

از سوی دیگر، در بررسی سازشناسی این دوره همواره باید به یاد داشت که این موسیقی به یکباره به چنین تنوعی نرسیده است و راهی طولانی، بیش از چهار هزار سال (از کهن‌ترین اثر باستانی کشف‌شده با نشانه‌ی موسیقی)، را پیموده است. همچنین این موسیقی برآیندی از برخورد موسیقی تمدن‌های شرق فلات ایران، موسیقی پارتی که خود بسیار از موسیقی یونانی تأثیر گرفته و موسیقی به‌جا مانده از بین‌النهرین است که با امپراتوری هخامنشی در فلات ایران گسترده شد. از این رو لازم است در روند پژوهش نیم‌نگاهی به فرهنگ‌های تأثیرگذار در فرهنگ موسیقایی ساسانی نیز داشت. نکته‌ی مهم دیگری که در این بحث حتماً باید مدنظر قرار داد این است که نباید انتظار داشت نام

سازهای دوره‌ی ساسانی با نام امروزین آنها همسان باشند. سازها در مسیر زندگی خود هم در نام و هم در ساختار تغییر می‌کنند و گاه ساز با نام دیگری به دوره‌های تاریخی بعدی منتقل می‌شود.

پژوهشگران تاریخ موسیقی در همه‌ی جای جهان در این نکته که موسیقی جهان اسلام در سال‌های آغازین بسیار تحت تأثیر موسیقی ساسانی بوده و به نوعی پایه‌ی کارگان موسیقایی و سازهای جهان اسلام موسیقی دوره‌ی ساسانی بوده‌است هم‌رأیند. از این رو برای شناخت بهتر موسیقی جهان اسلام لازم است ابتدا موسیقی ساسانی تاجایی‌که امکان دارد بازشناسی شود که بتوان بر اساس نتایج آن در مورد موسیقی و سازشناسی دوره‌های اسلامی پژوهش‌های دقیق‌تری انجام داد.

در این پژوهش سعی بر آن بود تا بیشترین نگاره‌های باستانی و نوشته‌های موجود از دوره‌ی ساسانی و اسلامی مورد بررسی و پژوهش قرار داده شود. اما روشن است که دسترسی به همه‌ی منابع خصوصاً نگاره‌های باستانی که موزه‌های خارج از ایران نگهداری می‌شوند وجود ندارد. بااین‌حال بیشترین تعداد آثار باستانی با موضوع موسیقی از دوره‌ی ساسانی نسبت به پژوهش‌های پیشین در این کتاب مورد بررسی قرار گرفت و با آنچه در کتب تاریخی و ادبی درباره‌ی موسیقی ساسانی نوشته شده بود برابرسنجی شد. در انتخاب این آثار تلاش بر آن بود تا آثاری مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرند که ساختار و ویژگی ساز نمایش داده‌شده در آن‌ها به صورتی بسیار دقیق نشان داده شده‌است.

در بخش نوشتارها نیز تعداد بسیاری از نوشته‌های تاریخی، ادبی و اشعار بررسی شد. اشکالات موجود در تصحیح و ترجمه‌ی برخی منابع نوشتاری روند پژوهش را به سوی استفاده از نسخه‌ی اصلی هر منبع کشاند. متأسفانه ترجمه‌ها و تصحیح‌های موجود از منابع غیرموسیقایی که در بخش‌هایی به موسیقی می‌پردازند تا اندازه‌ای ناآگاهانه و دور از دانش موسیقی است که لازم بود حتماً به متن اصلی و گاهی حتی نسخه‌ی خطی اثر مراجعه شود.

این کتاب ابتدا به معرفی نوشتارهای مهم و نگاره‌ها می‌پردازد و سپس در چهار فصل سازهای موسیقایی نام برده شده در نوشتارهای پایه را بررسی و واکاوی می‌نماید. فصل انتهایی کتاب به سازهایی می‌پردازد که در متن‌های پهلوی با دشواری خوانش روبرو هستند و همچنین نگاره‌هایی که به اشتباه به موسیقی ساسانی نسبت می‌دهند.

سه نکته‌ی مهم در روند نوشتن این کتاب شایان توجه است. این کتاب وارد بحث دستان‌بندی و کوک سازها نشده‌است. این بخش از سازشناسی در این پژوهش نیازمند

آگاهی از کارگان موسیقایی دوره‌ی ساسانی است که در کتاب دیگری به آن پرداخته خواهد شد. از این رو در این کتاب فقط به ساختمان، مشخصات ظاهری و نام سازهای رایج در دوره‌ی ساسانی پرداخته شده‌است.

این کتاب جستاری در مورد سازشناسی یکی از دوره‌های پادشاهی ایرانی است که لازم بود در گزینش واژه‌ها بسیار اندیشیده شود و از واژه‌های فارسی به جای معادل عربی و انگلیسی آنها استفاده شود. این گُزیدگی با وجود آنکه کتاب را کمی از ادبیات مرسوم پژوهشی در ایران دور می‌کند اما اهمیت بسیاری دارد و تلاش بر آن بود تاجایی‌که متن دچار دشواری در خوانش و درک مفاهیم نشود از واژه‌های فارسی استفاده شود.

از آنجا که موسیقی پیش از اسلام و به‌ویژه موسیقی دوره‌ی ساسانی هم برای پژوهشگران رشته‌ی موسیقی و پژوهشگران دیگر رشته‌ها و هم برای مخاطب ناآشنا با موسیقی، موضوعی جالب و مورد توجه است تلاش شد زبان نوشتاری نیز به گونه‌ای باشد که برای گروه‌های مختلف قابل استفاده باشد.

شاهنامه‌ی فردوسی به‌عنوان یکی از منابع اصلی کتاب مورد استفاده قرار نگرفت. در این کتاب نام سازها از دوره‌های اساطیری تا دوره‌های تاریخی ثابت است و تغییر و دگرگونی ویژه‌ای در نام آن‌ها صورت نمی‌گیرد. اطلاعاتی در مورد ساختار این سازها نیز در این کتاب وجود ندارد. داده‌های کارآمد این کتاب در راستای سازشناسی ساسانی به بحث موقعیت اجرای موسیقی در رزم و بزم باز می‌گردد که در بخش‌هایی به آن پرداخته شد.

این کتاب نخستین کوشش برای بررسی و پژوهش موسیقی دوره‌ی ساسانی نیست اما نخستین کتابی است که در آن تلاش شده تا با رویکردی بینارشته‌ای که رویکرد موسیقی‌شناسی در آن پررنگ‌تر است بیشترین تعداد منابع مکتوب و تصویری را به دقت مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. همین نخستین بودن، آن را مستعد اشتباه نیز می‌نماید. امیدوارم پژوهشگران گرامی با پیشنهادات سازنده‌ی خود به بهتر شدن این پژوهش یاری رسانند.

در این مسیر بسیاری همراه بودند که بی‌شک بدون همراهی و یاری آنها این کتاب به سرانجام مورد نظر نمی‌رسید.

آثار باستانی موجود در ایران و موزه‌ی ملی با همکاری بی‌نظر ریاست موزه‌ی ملی دکتر جبرئیل نوکنده، آقای یوسف حسن‌زاده رئیس گروه پژوهش، خانم روشنک جهرمی مسئول بخش مستندنگاری، آقای جواد نصیری رئیس اداره‌ی اموال فرهنگی، خانم زهرا اکبری

امین اموال بخش تاریخی، آقای رضا کیافر رئیس اداره‌ی حراست و خانم اکرم دادپاس کارشناس اداره‌ی حراست و همچنین دیگر پرسنل محترم موزه‌ی ملی ایران از نزدیک دیده‌شد و نقش سازهای روی این آثار به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت.

از آثار باستانی خارج از ایران تصاویری در دست بود که به دلیل عدم کیفیت فاقد جزئیات بود و نمی‌توانست پاسخگوی نیاز این پژوهش باشد. به همین دلیل با موزه‌های صاحب اثر مکاتبه شد و تصاویر باکیفیتی به‌دست آمد که توانست نکته‌های مهمی را آشکار سازد. اما به‌دلیل مسایل حقوقی چاپ تصاویر و همچنین عدم همخوانی برخی تصاویر با قوانین، بخشی از آنها از روی تصویر اصلی طراحی شد. در این طراحی‌ها هدف بر آن بود که جزئیات مربوط به موسیقی کاملاً حفظ شود. طراحی این آثار توسط هنرمند جوان کیانا باقری به‌دقت و با رعایت جزئیات لازم انجام شد.

در تمام سال‌هایی که در مورد موسیقی در ایران پیش از اسلام مطالعه کرده‌ام از یاری دوستانی بهره برده‌ام.

راضیه فرهانیان، الهام رسول‌پور، فائقه فهیم‌تاش، الهام امان‌آبادی که از ابتدای شروع مطالعاتم در این زمنیه همراهم بودند.

سهیلا مظاهری که این راه را به تشویق او آغاز کردم و از دانش ادبی او بسیار سود جستم.

نرگس ذاکرجعفری و بابک خضرایی در دسترسی به منابع و یافتن نسخه‌های خطی بسیار همراهی نمودند.

راهنمایی‌های دکتر بیژن کریمی میرعزیزی درترجمه‌ی متن‌های عربی بسیار راهگشا بود.

جناب استاد حمید سکوتی و رهام شیرمحمد در این مدت پاسخگوی پرحوصله‌ی سؤالات بی‌شمارم در مورد سازسازی بودند.

راهنمایی‌های ارزشمند دکتر میثم لباف خانیکی در بخش باستان‌شناسی ساسانی پاسخگوی پرسش‌های مهمی بود.

راهنمایی‌ها و روشنگری‌های سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و جناب آقای دکتر علی‌اشرف صادقی و توجه‌شان به این پژوهش افتخار بزرگی بود.

به‌ویژه باید از دکتر محسن حجاریان تشکر کنم که در تمام بیست سال گذشته تشویق‌هایشان دلیل دلگرمی من و راهنمایی‌هایشان راهگشای کارم بود.

آروین صداقت‌کیش دوست و همراه قدیمی که برای چاپ این کتاب از همفکری و همراهی دریغ نکرد.

در تمام این سال‌ها پشتیبانی مهرآمیز خانواده همراهم بود. پدر و مادر بزرگوارم از ابتدا راه را برایم هموار کردند. برادرانم و خانواده‌ی مهربانشان که نبودن‌هایم را تحمل کردند و به‌ویژه همسر بزرگوارم که اگر صبر وحوصله‌ی او نبود این کتاب به سرانجام نمی‌رسید.

تصمیم به گردآوری آنچه در مورد موسیقی ساسانی می‌دانم در پی خانه‌نشینی در روزهای نخستین رویارویی با ویروس کوید گرفته شد. این کتاب، ارجمندانه پیشکش می‌شود به تمام آَنانی که بیماری قرن پایان‌بخش زندگی‌شان شد.